

A study of the tax system of the Burji Mamluk Sultanate in Egypt and its consequences

Bahador Ghayem^{*}, Sayyed Mohammad Mousavi^{}**

Shahram Jalilian^{*}**

Abstract

The economy and its components have always been influential as constant along with other causes in the emergence of historical effects meanwhile; taxes have played a key role in the history of Egypt as a factor in the rise and fall of governments. The sovereignty and weakness of the Egyptian government have also been subject to this factor. The Burji Mamluks (784-923 AH) by imposing all kinds of taxes and their costs in the governmental and administrative welfare sector, caused tax collection and spending to deviate from their natural path. As a result, the positive effectiveness of the tax has diminished and this has negative economic and social consequences. This research examines the tax diversity of the Mamluk period and its consequences on the Egyptian society during the Mamluk period with a descriptive-analytical method. The result of this research shows that during the Burji Mamluk period, a different tax policy compared to the first period of this government's political life, especially, the imposition of an unconventional tax under the name of Mukos (Customs duties), led to negative social consequences such as

* Associate Professor of history of Islam, Shahid Chamran university of Ahvaz, Ahvaz, Iran,
ghayem.b@scu.ac.ir

** MA in History, Shahid chamran university of Ahvaz, Ahvaz, Iran, (corresponding author),
Seyedsadegh9797@gmail.com

*** Professor of history of Ancient Iran, Shahid Chamran university of Ahvaz, Ahvaz, Iran,
Sh.jalilian@scu.ac.ir

Date received: 9/11/2021, Date of acceptance: 18/2/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

hoarding, bribery, migration of villagers and class divide. And it caused the tax system, which was once the factor of the government's authority, to become the factor of its weakness.

Keywords: Mamluk Sultanate, Burji Mamluk, Tax system, Mukus(Customs duties)



بررسی نظام مالیاتی دولت ممالیک برجی مصر (۷۸۴هـ - ۹۲۳هـ) و پیامدهای آن

بهادر قیّم*

سید صادق موسوی بصیر**، شهرام جلیلیان***

چکیده

عامل اقتصادی همواره به صورت یک علت ثابت در کنار سایر علل در پدید آمدن معلول‌های تاریخی تأثیرگذار بوده است. در این میان، مالیات به عنوان جزیی از اجزاء اقتصاد در فراز و فرود دولت‌ها نقش اساسی ایفا می‌کند. قوت و ضعف دولت ممالیک مصر (۴۶۸-۹۲۳ هجری) نیز تابع این عامل بوده است. ممالیک برجی (۷۸۴-۹۲۳ هجری) با وضع انواع مالیات و هزینه آن در بخش رفاه حکومتی و اداری، باعث شدند وصول و هزینه‌کرد مالیات از مسیر طبیعی خود خارج گردد. در نتیجه، کارایی مثبت مالیات کمرنگ شده و این امر، پیامدهای منفی اقتصادی و اجتماعی به دنبال داشته است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به بیان تنوع مالیاتی دوره ممالیک برجی و پیامدهای آن بر جامعه مصر دوره ممالیک می‌پردازد. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که در دوره ممالیک برجی، اتخاذ سیاست مالیاتی متفاوت نسبت به دوره اول حیات سیاسی این دولت، خاصه در وضع مالیات نامتعارف تحت عنوان مُکُوس، پیامدهای منفی اجتماعی مانند احتکار، رشوه‌خواری،

* دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران ghayem.b@scu.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده

مسئول) Seyedsadegh9797@gmail.com

*** استاد تاریخ ایران باستان، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران Sh.jalilian@scu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۹



مهاجرت روستاییان و شکاف طبقاتی را به دنبال داشته است و باعث گردید تا نظام مالیاتی که زمانی عامل اقتدار دولت بوده، اکنون به عامل ضعف آن تبدیل شود.

کلیدواژه‌ها: ممالیک مصر، ممالیک برجی، مالیات، مُکُوس

۱. مقدمه

تاریخ اسلامی مصر نشان می‌دهد که این سرزمین از دوران فتح اسلامی تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مهمی را پشت سر نهاده است که اقتصاد و عناصر وابسته به آن، سهم مهمی را در تاثیرگذاری بر این تحولات بخود اختصاص داده است. بخش قابل توجهی از اقتصاد مصر مدیون رودخانه نیل است اما در این میان شاید منطقه نیل سفلی - شمال مصر، به دلیل ارتباط آن با دریای مدیترانه، فضای جغرافیایی مناسب‌تری را برای فعالیت در بخش بازرگانی، صنعت و کشاورزی مهیا کرده است. فعالیت در بخش‌های سه گانه مثلث اقتصادی، درآمد قابل توجهی از طریق مالیات برای دولت‌ها ایجاد کرده است. مالیات مهمترین منبع درآمد دولت‌ها در تاریخ مصر به شمار می‌آید. نظام مالیاتی دولت‌ها در مصر بسته به سیاست مالیاتی می‌تواند پیامدهای متفاوتی داشته باشد. اجرای نظام مالیاتی قانونمند و مبتنی بر اصول علمی، باعث انعکاس آن در بخش عمران شهری و روستایی شده، تاثیر مثبت اقتصادی و رفاه عمومی و به تبع آن فزونی قدرت دولت را در پی خواهد داشت اما اگر چرخه نظام مالیاتی از فرآیند منطقی و اصولی خود خارج و دچار تکثر، تنوع و خشونت شود و نیز فاقد بازخورد عمران شهری و روستایی باشد، در این حال پیامدهای اقتصادی و اجتماعی منفی متعددی را به دنبال خواهد داشت، باعث کاهش اقتدار دولت و قرار گرفتن آن در مسیر انحطاط می‌شود. اثر بخشی بحرانهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی ناشی از کاهش آب نیل و وضع مالیات نامتعارف در تاریخ مصر به گونه‌ایی است که منجر به تالیف منابع تاریخی اختصاصی در این زمینه شده است. (المقریزی، اغاثة الامة) بطور یقین اثرات منفی اقتصادی نیز بر طبقات متوسط و پایین جامعه تاثیر می‌گذارد و اینجاست که نقش دولت‌ها به عنوان عامل تعدیل کننده وضع موجود از طریق اجرای سیاست‌های اقتصادی مناسب در بهبود وضع معیشتی مردم خصوصاً طبقات متوسط به پایین نمایان می‌شود. تاریخ سیاسی مصر نشان می‌دهد برخی دولت‌ها قادر به تدوین برنامه اقتصادی مناسب در شرایط حساس نبودند و یا حتی از شرایط پیش آمده به سود خود و

جهت تامین منابع مالی خزانه دولتی بهره می‌بردند، شاید دولت اخشیدیان مصر (۳۲۳ - ۳۵۸ هـ) یکی از مصادیق بارز آن باشد. (سالم، ۱۹۸۱ هـ: ۶۳۴) اتخاذ سیاست نامناسب اقتصادی باعث نارضایتی عمومی از دولت اخشیدیان و ضعف آن در برابر دشمنان خارجی آنها یعنی فاطمیان شد. (العبادی، بی تا: ۱۴۷) به گونه‌ایی که مردم مصر و حتی برخی از بزرگان دولت جهت نجات خود از وضع موجود از فاطمیان تقاضای فتح مصر کردند و با آغوش باز از فاطمیان استقبال بعمل آوردند.^۱ اما از سوی دیگر و در همان شرایط تاریخی، فاطمیان بعد از فتح مصر، با اتخاذ سیاست مناسب خصوصاً توسط یعقوب بن کلس در بخش مالیاتی و پولی (فیصل، ۱۴۰۸ هـ: ۸۱ به بعد) و نیز اقدامات اقتصادی مناسب جوهر صقلی، در بازگشت رونق اقتصادی و رفاه عمومی مردم در مصر موفق شوند (واکر، ۱۳۸۳: ۴۴)

درآمد دولت ممالیک (۶۴۸ - ۹۲۳ هـ) به عنوان حلقه پایانی سلسله‌های سیاسی مصر اسلامی قبل از تسلط عثمانی‌ها بر مصر، بیشتر متکی بر مالیات بوده است. در دوره اول فرمانروایی ممالیک، نظام مالیاتی در یک فرآیند طبیعی سیر می‌کرده است و دولت از ثمرات آن بهره می‌برده است اما در دوره دوم حکومت ممالیک خاصه اواخر قرن هشتم هجری با بروز حوادثی مانند کاهش آب نیل، انتشار بیماری و خشکسالی شرایط سختی را بر مردم تحمیل شد. در چنین شرایطی دولت ممالیک با وضع مالیات‌های نامتعارف^۲ به نام مُکُوس به بدتر شدن شرایط عمومی کمک کردند. گویا ابن خلدون در کتاب المقدمه در شرح اخذ مالیات توسط سلاطین، قصد داشته این فرآیند را در وجود دولت ممالیک به عنوان یک اصل و قاعده کلی برای نسل‌های بعدی نشان دهد. (ابن خلدون، المقدمه، ۱۴۲۶ هـ، ۲۶۵ - ۲۶۲). پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این سوال است که نظام مالیاتی دولت ممالیک برجی چه پیامدهایی را برای این دولت به دنبال داشته است. پاسخ به این پرسش بر اساس روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به متون تاریخی کهن و نوین در این پژوهش آمده است.

۲. مالیات و انواع آن در دولت ممالیک مصر

مالیات مهمترین منبع درآمد دولت ممالیک مصر بوده است. در واقع مالیات از قدیم الایام رکن اصلی درآمد دولت‌ها بوده و ریشه تاریخی آن به دوران مصر قدیم می‌رسد. مقریزی

اشاره می‌کند که پادشاهان قبطی مصر درآمد خراج - مالیات - را در چهار بخش هزینه می‌کردند: بخش اول خاص پادشاه بود، بخش دوم را به تأمین نیاز سپاهیان اختصاص می‌دادند، بخش سوم در جهت ترمیم زمین‌ها هزینه می‌شده است و بخش چهارم را ذخیره می‌کردند تا در صورت بروز حوادث و بلایای طبیعی یا غیر طبیعی بر مردم هزینه شود (المقریزی، الخطط، ۱۴۱۸هـ: ۱/۱۴). بطور کلی مالیاتی که در طول حیات سیاسی دولت ممالیک بعنوان درآمد استیفاء می‌شده به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف - مالیات شرعی یا قانونی (اسماعیل، ۱۹۹۸: ۱۵۵)، که مقریزی از آن با عنوان "خراجی" یاد کرده است (الخطط، ۱۴۱۸هـ: ۱۹۴) مالیات شرعی انواع مختلف را شامل می‌شود.

۱. خراج: این مالیات مهمترین بخش درآمدی مالیات شرعی به شمار می‌آید، در اهمیت این نوع از مالیات ابن خلدون یک قاعده کلی را بازگو می‌کند: (بدان که دارایی سلطان را چیزی جز، مالیات تأمین و افزایش نمی‌دهد) (ابن خلدون، المقدمة، ۱۴۲۶هـ: ۲۶۵) خراج مالیاتی است که بر زمین‌های زراعی (اسماعیل، ۱۹۹۸م: ۱۵۵) که از آنها حبوبات، خرما، انگور بدست می‌آید، دریافت می‌شده است (المقریزی، ۱۴۱۸هـ: ۱۹۴) طبیعتاً آب نیل بعنوان عامل مؤثر در میزان خراج لحاظ می‌شود، از این رو میان رود نیل و خراج ارتباط تنگاتنگی وجود خواهد داشت.

۲. زکات: از واجبات مالی که قرآن و کتب فقهی بر آن تاکید دارد و در اصطلاح عبارت است از بخشی از مال و مانند آن که پرداخت آن به مستمندان در شرع واجب شده است. در روزگار ممالیک دولت برای دریافت زکات، دیوانی نظارتی تحت عنوان "زکات دولت" تاسیس کرد. (عبدالمنعم ماجد، ۱۹۸۲: ۷۶/۱) در این دیوان تنها زکات تجارت و زکات عداد^۳ به دولت تعلق می‌گرفت. بنظر می‌آید که زکات تجارت و عداد از آن جهت که بر اساس قاعده فقهی نیستند به دولت تعلق می‌گرفت و نه فقها، در آن صورت می‌توان آنرا بخش از مالیات غیرشرعی ادغام شده در مالیات شرعی تلقی کرد!

۳. جزیه که از اهل ذمه دریافت می‌شد: این نوع از مالیات در دوره ممالیک نیز به "جوالی" معروف بوده است و از اصلی‌ترین منابع تأمین بودجه دولت در مصر به حساب می‌آمد. ممالیک سالیانه از یهودیان و مسیحیان مبلغ معینی بعنوان جزیه دریافت می‌کردند در اوایل دولت ممالیک، جزیه دیوانی مجزا و خاص سلطان داشته است و جزء درآمد عمومی

بود تا آنکه در سال ۷۱۵هـ سلطان ناصر محمد بن قلاوون "روک ناصری"^۴ را بنیاد نهاد (المقریزی، الخطط، ۱۴۱۸هـ: ۱۶۶/۱-۱۶۵) از آن پس درآمد حاصل از جزیه یک شهر با خراج دریافتی از آن شهر ادغام شد (اسماعیل، ۱۹۹۸م: ۱۶۵)

۴. **مواریث:** مقصود از آن ترکه‌ای است که وارث ندارد یا وارثی دارد که استحقاق به ارث بردن تمام ترکه را دارا نیست. (ابن مماتی، ۱۷۷۱م: ۱۳) در عهد ممالیک روزانه لیست اسامی متوفیان مسلمان و غیرمسلمان توسط کاتب دیوان سلطانی در مصر و قاهره اعلام می‌گردید و چنانچه برای متوفی وارثانی پیدا نمی‌شد، اموال او از طریق "دیوان مواریث" به بیت المال واگذار می‌شد (همان: ۱۶۸). بنظر می‌آید دیوان مواریث در روزگار مملوکان ثروت هنگفتی برای دولت به ارمغان می‌آورده است چه این امر معلول مرگ و میرهای زیاد بر اثر انتشار بیماری‌های گوناگون چون طاعون و وبا در آن برهه زمانی بود. که اموال و ترکه‌های بی‌حد و حصری برجای می‌نهاد. برای مثال در سال ۶۹۴هـ مرگ و میر بیش از هزار نفر در اثر وبا و ۱۷/۵۰۰ نفر بر اثر طاعون، در دیوان مواریث گزارش شده است. سال ۷۷۶هـ نیز روزانه مرگ ۵۰۰ نفر به دیوان مواریث اعلام می‌شد. سال ۸۴۸هـ ماهانه بیش از هزار نفر نامشان در شمار متوفیان دیوان مواریث ثبت گردید و در سال ۸۹۷هـ دیوان بیش از ۲۰۰/۰۰۰ نفر را در شمار مردگان قرار داد. (ابن ایاس، ۱۳۹۵م: ۳۸۹/۳ / اسماعیل البیومی: ۱۶۹)

۵. **عوارض بازرگانان غیرمسلمان که از طریق دریا وارد مصر می‌شوند:** این بخش از درآمد دولتی شامل مالی است که از بازرگانان اروپایی که با هدف تجارت و بازرگانی وارد شهرهای بندری دمیاط و اسکندریه می‌شدند استیفاء می‌شده است. علیرغم آنکه شرع مقدس میزان آن را $\frac{1}{10}$ ارزش کالا تعیین کرده است اما مذهب شافعی به دولت اجازه داده چندین روش را در ارتباط با این نوع مالیات در پیش بگیرد. اینکه حاکمان اجازه دارند بیش از تعداد مشخص شده در شرع ($\frac{1}{10}$) عوارض دریافت کنند. یا چنانچه منافع مملکت در میان باشد کمتر از میزان مقرر شرعی و تنها ۵٪ معادل ($\frac{1}{20}$) دریافت کنند، و یا اینکه در جهت ترغیب بازرگانان اروپایی برای تجارت بیشتر با مصر، بطور کامل از پرداخت آن معاف شوند. (سالم، بی تا: ۲۸۴-۲۸۳)

ب- **مالیات غیرشرعی که به آن هلالی اطلاق می‌شود:** و آن عبارتست از مالی که ماهیانه و بعد از اتمام یک ماه قمری همانند اجاره استیفاء می‌شده است و اصولاً شامل

مکانهای مسقف مانند: بازارها، حمام‌ها، نانوائی‌ها، آسیاب‌ها، و نیز خانه‌های بزرگ و باغات، تعداد گوسفندان، صیدماهی، روغن‌گیرها و... (المقریزی، ۱۴۱۸هـ: ۲۰۰/۱) می‌شود اما بعدها ممالیک چنان آنرا توسعه دادند که فعالیت‌های مختلف دولتی و اجتماعی را نیز در بر گرفت و از آن پس مجازاً لفظ مگوس را بر آن نهادند. کثرت و تنوع آنها به حدی بود که به قول نویسندگان نوین «تنها هوا از این قاعده مستثنی بوده است.» (عبدالمنعم ماجد، ۱۹۸۲م: ۷۳) برخی مگوس را در زمره مالیات غیر شرعی قرار داده و اموال و درآمد حاصل از آن را نیز غیر شرعی دانسته است. (سالم، بی‌تا: ۲۸۶) باید اذعان کرد که ارائه آمار دقیق از تعداد مگوس‌ها در دوره ممالیک مصر امکان‌پذیر نیست زیرا همواره مگوس‌ها بسته به شرایط دچار قبض و بسط می‌شدند و از دوره سلطانی به سلطانی دیگر تغییر پیدا می‌کردند. در این پژوهش سعی داریم تنها به بخشی از آنها اشاره شود. در واقع این نوع مالیات ماهیانه، زمینه‌ساز باز تولید جو نارضایتی عمومی، و ظاهر شدن پدیده‌های اجتماعی منفی و در نهایت فاصله گرفتن مردم از حکومت ممالیک گردید. نمونه‌هایی از مگوس در دوره عصر ممالیک مصر:

۱. مگوس صادرات و واردات: از بازرگانان مسلمان و غیر مسلمان دریافت می‌شد و انواع مختلفی دارد. از تاجران مسلمان، زکات تجارت، گاهی اوقات خمس و در مواردی نیز "مکس الوکالة" که به نوعی مبلغی در برابر خدمات مؤسسات مالی و بازرگانی بوده، دریافت می‌شده است. (المقریزی، المواعظ، ۱۲۷۰هـ: ۱۱۲/۱) بازرگانان غیرمسلمان موظف به پرداخت مالیاتی مانند رُسْم السفن یا عوارض کشتیرانی هنگام ورود به بنادر مصر، "رسوم السماح" یا عوارض اذن ورود به مصر، "رسوم العبور" یا مالیات عبور و مرور، بودند. (طرخان، بی‌تا: ۲۸۶ / زیتون، ۱۹۸۰: ۲۳۵) مالیات بازرگانان غیرمسلمان به موارد فوق محدود نمی‌شده است و موارد دیگر را شامل می‌شود مانند

مالیات مختصری از تاجرانی که کالاهای خود را در گمرک می‌فروختند - مالیات پارچه از تاجران بندقیه - مالیات ترجمه که غیرمسلمانان ملزم به پرداخت آن بوده - مالیاتی که بازرگان غیرمسلمان در صورت فروش تمام کالای خود چه در داخل گمرک و چه بیرون آن پرداخت می‌کند - مالیاتی که ازای کشیک دادن نگهبانان بر کشتی‌ها در بنادر، پرداخت می‌شده (اسماعیل: ۱۸۷-۱۸۹)

و نیز نوعی مالیات خمس موسوم به « قوف و عرصه » که بازرگانان غیرمسلمان در بنادر پرداخت می‌کردند. (همان: ۲۲۱)

۲. مگوُس اهل ذمه: این نوع مالیات مزید بر جزیه یا جوالی است و شامل:

- مالیات پیروان دین مسیح که میزان آن یک دینار در سال برای هر فرد مسیحی است که بابت هزینه سپاهیان اخذ می‌شده است.
- مالیات " شبه الجالیه " - شبه جزیه - فقط اهل ذمه ساکن در شهرهای بولس - دمیاط - فارسکور - بلطیم پرداخت می‌کردند. (همان: ۲۰۴)
- **واجب ذمه:** مالیاتی که بازرگانان مسیحی بومی مصر واجب به پرداخت آن بودند - همانند زکات تجار مسلمان
- مکس حج گزاران: این نوع مالیات از اهل ذمه در مقابل ورود آنها به سرزمینهای مقدس مسیحی و نیز اذن زیارت کلیسا، دریافت می‌شد.

۳. مگوُس تامین هزینه جشن بالا آمدن آب نیل: به هنگام موسم بالا آمدن آب نیل آنگاه که آب آن به حد نصاب برسد مردم به جشن و پایکوبی می‌پرداختند (المناولی، ۱۹۶۶م: ۱۵۸) لذا دولت ممالیک برای تامین هزینه جشن این نوع مالیات را قهراً و وجوباً دریافت می‌کردند. سلطان قلاوون آنرا لغو کرد و تامین هزینه جشن را به دیوان نظر محول ساخت. (ابن ایاس، ۱۳۵۹هـ: ۳۶۳/۱)

۴. مگوُس املاک: مردم ملزم به پرداخت این مالیات به هنگام معامله املاک هستند و میزان آن ۲۰ درهم در ازای هر صددرهم است. (المقریزی، ۲۷۰هـ: ۱۰۶/۱) نکته قابل توجه این است که حتی اگر ملکی ماهانه چندین بار هم فروخته شود. همواره از فروشندگان املاک دریافت می‌شده است. (ابن حجر العسقلانی، ۱۳۶۹هـ: ۱۲۷/۱)

۵. مگوُس " الحلفاء " و " الدریس " : الحلفاء و الدریس دو نوع از مهمترین علوفه حیوانات به شمار می‌رفت و به سبب این اهمیت، دولت ممالیک بر آن مالیات وضع کردند (المقریزی، ۱۲۷۰هـ: ۱۰۶/۲)

۶. مگوُس ساحل غله: ساحل غله مکانی در بولاق مصر بود که غله جهت فروش در آنجا گردآوری می‌شده است. این مالیات از جمله مهمترین منابع درآمد دولت ممالیک به

شمار می‌رفت و سالانه حدود چهارهزار هزار - چهار میلیون - درهم سهم دولت از این مالیات بوده است. (اسماعیل، البیومی: ۱۹۶-۱۹۵)

۷. **مُکُوس میوه خانه‌ها**: مالیات در ازای خدماتی که به تاجران میوه ارائه می‌دادند، مالیاتی وضع کرده و بازرگانان را به پرداخت آن ملزم ساختند. (همان: ۱۹۶)

۸. **مُکُوس نیشکر و صنایع وابسته به آن**: مالیات بر زمینهایی که در آن نیشکر کشت می‌شد مالیات وضع کردند. سپس این مالیات بر صنایع استخراج عصاره نیشکر تعمیم یافت (المقریزی، ۱۴۱۸هـ: ۶۳۴/۲) شکر پزخانه‌های مصر در عهد مالیات فراوان بودند که بر هر کدام از آنها یک تحصیل دار مالیاتی گماشته شد این مالیات در سراسر دوره مالیات بر جی استمرار یافت. (النجیدی، ۱۹۸۴هـ: ۸۱)

۹. **مُکُوس زناکاری**: این نوع مالیات از قبیح‌ترین جلوه‌های ناپسند عصر مالیات بود. در آن دوره زناکاری از حقوق زنان تلقی می‌شد؛ که در قبال پرداخت مالیات به دولت از این حقوق بهره می‌بردند! مسئول جمع‌آوری این نوع مالیات زنی بود با لقب دولتی «ضامنه المغانی» که چندین دستیار داشته است. (اسماعیل: ۲۰۱)

مُکُوس مزدگانی و بشارت دهی (خبر فتح یا پیروزی سپاه - سلامت حجاج) (ابن ایاس، ۲۶۳/۱) مُکُوس گندم، مکوس دلالی و واسطه‌گری (المقریزی، الخطط، ۱۲۷۰هـ: ۶۹/۱) مکوس پوست و کارگاههای دباغی (اسماعیل، البیومی، ۱۹۷) مکوس زندان (همان) مکوس شراب، مکوس جشن‌ها (همان: ۱۹۹) مکوس کچلی (ابن حجرالعسقلانی، ۳۸۳/۳) مکوس سرگین (اسماعیل البیومی، ۲۰۳) نمونه‌های دیگر از انواع مالیات غیرشرعی عصر مملوکی بوده است.

این تنوع و تکثیر مالیاتی آنهم در دوره دوم مالیات مصر - مالیات بر جی - که مملو از حوادث طبیعی ناگوار نظیر نقصان آب نیل، انتشار وبا و طاعون، خشکسالی و ... (بنگرید به السیوطی، حسن المحاضرة، ۱۳۸۷ هـ: ۳۰۳/۲) بوده بطور یقین تاثیر منفی بر رضایت توده مردم از حکومت در پی داشته است. مقریزی مورخ مصری آن دوره نیز با ذکر این نکته که (این مالیات غیرشرعی را والیان و بد ستمگر بتدریج و به مرور زمان ایجاد کردند) مراتب نارضایتی خود را از اینگونه مالیات‌ها ابراز کرده است (بنگرید به: المقریزی، ۱۴۱۸هـ: ۱۹۴/۱)

۳. سیاست مالیاتی دولت ممالیک و پیامدهای آن

مالیات مهمترین منبع درآمد دولت‌ها و خصوصاً نظام‌های سیاسی در سرزمین مصر است. قواعد تاریخی نشان می‌دهد که دولت‌ها از بدو تاسیس مالیات محدودی را در ابعاد کمی و کیفی وضع می‌کردند زیرا در اوایل درآمد دولت‌ها تنها مالیات شرعی بود که هم در کمیت و هم در کیفیت میزان آنها پایین بوده است. و به صدقات و جزیه، دیه و زکاه محدود می‌شوند. آنها با نسبت کم در پرداخت (بنگرید به: ابن خلدون، المقدمه، ۱۴۲۶هـ: ۳۷۳) از سوی دیگر دولت‌ها در اوایل تاسیس به روش ابتدایی و ساده حیات خود را آغاز می‌کنند و در این مرحله هنوز گرفتار رفاه و زندگی اشرافی نشده‌اند تا به مال بیشتر نیاز پیدا کنند، اما به مرور که در مسیر رفاه و تجمل و رشد تمدن گام برمی‌دارند، نیاز آنها به مال بیشتر شده به افزایش مالیات در ابعاد کمی و کیفی می‌پردازند و به روش حکومت‌های قبل از خود گام می‌نهند (همان: ۲۶۳) شاید بتوان گفت ظلم و ستم مالیاتی را باید در راس عوامل نارضایتی توده مردم و در نتیجه زمینه‌ساز فروپاشی حکومت‌ها به شمار آورد. سیاست مالیاتی دولت ممالیک برجی به شدت تکثیر گرا و خشن بود و انواع مختلف مالیات را شامل می‌شود، سودجویی و خودپسندی سلاطین ممالیک در این دوره عامل اصلی بدتر شدن اقتصاد کشور بود (حتی، ۱۳۸۰: ۸۷۷) گرچه به قول ابن ایاس، برخی حکام ممالیک به هنگام بروز بلاهای طبیعی و از سر تظاهر، برخی از مگوس‌ها را لغو می‌کردند بیشتر بخاطر واهمه از دست دادن تاج و تخت و ارائه تصویر یک سلطان دادگر از خود است که با دفع خطر و کاهش نگرانی بار دیگر اقدام به وضع مالیات سنگین می‌کردند. (بنگرید به: بدائع الزهور، ۱۳۶۵هـ: ۳۰۴/۴) این نکته نشان می‌دهد که نارضایتی توده مردم تا چه حد می‌تواند برای امنیت یک دولت خطر به همراه داشته باشد، اما در اکثر موارد خودپسندی حاکمان مملوکی به حدی می‌رسد که به این اصل توجهی نمی‌شود. بعنوان نمونه سلطان قایتبای (۹۰۲هـ - ۸۷۳) بر فروش ذرت مالیات گزاف بست و بر بدبختی مردم افزود، حرص این سلطان در جمع آوری مال و ثروت به حدی بود که دستور داد علی مرشوشی شیمی دان معروف را کور و زبانش را بریدند به این جرم که « نتوانست فلزات را به طلا تبدیل کند» (بنگرید به: حتی، ۱۳۸۰: ۸۷۷) این سلطان علیرغم ضعف اقتصادی دولت مبالغ گزافی را برای خرید بیشتر بردگان که شیفته آنها بود و همچنین بنای ساختمانهای باشکوه و مؤسسات دولتی بزرگ در حجاز و شام و اسکندریه و قاهره، هزینه می‌کرد.

بنگرید به شبارو، (۱۳۹۱: ۱۵۹) بدون شک مالیات مهمترین منبع تامین این هزینه‌ها بوده است. بطور کلی پیامدهای اجرای سیاست‌های نادرست مالیاتی دولت ممالیک برجی را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد.

الف- رشوه خواری: رشوه‌خواری یکی از پدیده‌های فساد مالی در نهادهای اداری دولت ممالیک بود که بخشی از آن در حوزه مالیات رخ می‌دهد. چه در سیکل مالیات ستانی مبالغ هنگفتی بعنوان حق السکوت میان مأموران اخذ مالیات و کارکنان " دیوان نظر^۵ " رد و بدل می‌شده است این عوامل دولتی بمنظور دستیابی به بخشی از درآمدهای مالیاتی، هر چه بیشتر به رشوه‌خواری روی آوردند (احمد عبدالرزاق، ۱۹۷۹: ۲۶-۲۵)

زنجیره دیگر رابطه رشوه‌خواری و مالیات، به رشوه‌خواری در امر مناصب دولتی مربوط می‌شود. مقریزی اساسی‌ترین عامل فساد حکومت ممالیک را سپردن مناصب سلطانی در بخش‌های ولایتداری و مناصب دینی بواسطه " رشوه " می‌داند (المختار من الاغاثه، بی‌تا: ۷۳) و عامل ویرانی دولت که پیشینه آن در تاریخ مصر عهد مملوکی به زمان سلطان برقوق (المقریزی، الخطط، ۱۴۱۸هـ: ۲۰۹/۱) باز می‌گردد. از آن دوره به بعد که عصر ممالیک برجی تلقی می‌شود، مشاهده می‌کنیم که مناصب دولتی نظیر وزارت، قضاوت، حکومت ایالت‌ها، سرپرستی حسبه و سایر مناصب جزء از راه پرداخت رشوه ممکن نبود لذا طبیعی خواهد که راه برای ترقی و احراز مناصب افراد جاهل، فاسد و ستمکار هموار می‌شود، این افراد چون از طریق پرداخت رشوه به یک مقام دولتی نائل می‌آمدند. سعی می‌کنند برای نزدیک شدن به سلطان که تنها از طریق پرداخت پول میسر است، اقدام به افزایش میزان اجاره زمین و مالیات زمینهای اقطاعی خود می‌کنند. آنها برای کسب درآمد - مالیات - از هیچ جنایتی حتی ریختن خون مردم کوتاهی نمی‌کنند (المقریزی، المختار من الاغاثه: ۷۳) نتیجه اینکه مردمی که توان پرداخت مالیات و مگوس را ندارند اقدام به ترک زمینهای کشاورزی خود شده و مهاجرت می‌کردند. در نتیجه تولیدات کشاورزی کاهش و این کاهش منجر به افزایش قیمت‌ها و ظهور پدیده گرسنگی گردید، بعنوان نمونه گرسنگی شدید در مصر در سال ۸۰۶هـ [= دوره فرج بن برقون (۸۰۸- ۰۱ هـ)] ناشی از افزایش قیمت اجاره زمین و مالیات زمینهای کشاورزی بوده است. (بنگرید به: سالم، بی‌تا، ۳۹۴) ابن خلدون فرجام این فرایند را کاهش " عمران " بواسطه " ناامیدی از آینده و آبادانی " می‌داند که به مرور به اضمحلال و نابودی دولت می‌انجامد. (المقدمه: ۲۶۳)

ب. **احتکار** : طبق قاعده ابن خلدون، دولت و سلطان محور اقتصاد و مرکز بازار عالم است، اگر سلطان درآمد تجارت و مالیات را در انحصار خود قرار دهد و آن را در محل مناسب هزینه نکند در آن صورت رکورد بر تجارت و بازار حاصل شده و نیز میزان خراج - مالیات - کاهش می‌یابد، نتیجه اینکه درآمد دولت و خزانه آن به سبب کم شدن خراج نیز کاهش می‌یابد (بنگرید به: المقدمه: ۲۶۸) این قاعده بطور کامل در دوره دوم سلاطین مملوکی - برجی - در مصر اتفاق افتاد اما سلاطین این دوره به جای اصلاح نظام مالیاتی جهت تحرک و رونق مجدد اقتصاد و کسب درآمد، به پدیده منفی دیگری متوسل شدند و آن "احتکار" بوده است.

احتکار از مصادیق بارز فساد دستگاه حکومتی دولت ممالیک بود. دولت ممالیک بواسطه به انحصار در آوردن مواد غذایی مانند: لوبیا، گندم، شیر، برخی منسوجات، شکر، نمک، و نیز سدیم، مراتع و علوفه‌ها و ذخایر ماهی، باعث افزایش مگوس - مالیات و به تبع آن قیمت کالاها شده است. (بنگرید به: الاسدی، ۱۷۹۶هـ: ۱۳۸) باید اذعان کرد که افزایش نامتعارف قیمت‌ها که در اواخر عمر دولت مملوکان نمود بیشتری داشته، به منافع شخصی سلاطین مملوک باز می‌گردد. آنان برای سودجویی بیشتر، با احتکار کالاهای شرقی بویژه بخور، ادویه، شکر و انحصار خرید آن بدست سلطان، زمینه‌ساز افزایش سرسام آور قیمت‌ها شدند. (بنگرید به: عاشور، بی تا: ۲۹۷) در راستای این سیاست برسبای (۸۴۱- ۸۲۵ هـ) بعد از احتکار میزان زیادی ادویه و فلفل که سخت مطلوب مردم بود، فرمان داد دیگر، ادویه و فلفل از هند وارد نشود، سپس بعدها همه را به قیمت گزافی فروخت بگونه - ایی که قیمت فلفل در اسکندریه به بیست برابر بازارهای شرقی رسید. (بنگرید به: عاشور، همان / حتی، ۱۳۸۰: ۸۷۸) نیر همین برسبای وقتی شکر را احتکار کرد دستور داد تا مدتی کشت نیشکر متوقف شود خصوصاً این کار را زمانی انجام داد که مردم مصر گرفتار وبا شده بودند و نیاز به شکر به دلیل ماده علاج بیماری بیشتر بوده است (حتی، همان)

ج) **شکاف طبقاتی** : بطور کلی در بُعد اجتماعی هدف مالیات، کاهش فاصله طبقاتی است. لذا ظهور پدیده فاصله طبقاتی محصول طبیعی عدم توزیع مناسب ثروت و اتخاذ فرایند غلط در هزینه کرد درآمدهای خراجی توسط دولت است. همواره دولت‌ها در اوایل تاسیس اصولاً به دلیل رعایت اصول صحیح توزیع درآمدهای خود کمتر دچار پدیده شوم شکاف طبقاتی می‌شوند اما در استمرار حیات خود هزینه‌های دولت به سوی زندگی

اشرافی، جنگهای بیهوده و پرداخت‌های مسرفانه دیوانی و نهادهای سلطانی سوق داده می‌شود و بدین ترتیب جامعه به دو طیف ثروتمند و فقیر تقسیم می‌گردد. (بنگرید به: ابن خلدون، المقدمه: ۲۶۲) گرایش سلاطین مملوکی برجی به زندگی اشرافی به حدی بود که آنها حتی نمی‌توانستند اعتراض برخی از علما و فقها و قضات به هزینه اموال بیت المال و اسراف بیش از حد در زندگی اشرافی سلاطین را در شرایطی که مردم در فقر شدید بسر می‌برند، بر تابند و در نهایت سرنوشت این افراد معترض، عزل، شکنجه و تبعید بوده است. (بنگرید به: اسماعیل، البیوی، ۱۹۹۷: ۳۲۰/۱) عدم موافقت علماء و قضات در صدور فتوا برای کمک‌های مالی مردم به سلطان برسبای (۸۴۱-۸۲۵ هـ) بمنظور تامین هزینه بمنظور جنگ با شاهرخ پسر تیمور لنگ (۸۳۹ هـ) به این دلیل که (چگونه فتوا به کمک مالی مردم دهیم حال آنکه یکی از زنان سلطان در مراسم ختنه‌کنان فرزندش لباسی به ارزش سی‌هزار دینار بر تن کرده بود) (همان: ۳۱۹)، بهترین نمونه زندگی اشرافی و اسراف سلاطین مملوک برجی و مصداق بارز شکاف طبقاتی است. باید اذعان کرد که اجرای غلط و نامتعارف سیاست مالیات در عصر ممالیک جامعه‌ای طبقاتی را بوجود آورد؛ چرا که به انباشت ثروت در دست گروهی خاص چون تحصیل‌داران مالیاتی، سلاطین، والیان، سپهسالاران و کارمندان دیوان امور مالیاتی و تهیدست شدن پرداخت‌کنندگان مالیات از جمله کشاورزان و پیشه‌وران انجامید. فساد نظام فئودالی و زمین‌داری در عصر مملوکی نقش عمده‌ای در کاهش عدالت اجتماعی ایفا کرد؛ چه، به لحاظ اقتصادی موجب گسترش شکاف بین مالیات‌بگیران به عنوان طبقه‌ی مرفه و مؤدیان مالیاتی به عنوان طبقه‌ی فقیر گردید. عاملی که به قشر کشاورز آسیب جدی وارد ساخت، بدین جهت که کشاورزان به دلیل بدهی به دیوان نظر به برده‌هایی تبدیل شده بودند که سر و کارشان فقط با تحصیل داران مالیات بود. (الاسدی، ۱۹۶۹م: ۱۲۳ - ۱۱۶) افزون بر آن، گزینه کسب اموال در حکام و دولتمردان مملوکی، خود مزید بر علت بود. آنان که برای به دست آوردن اموال بیشتر، دست به هر اقدامی می‌زدند، افزایش مالیات‌ها را یکی از راهکارهای تحقق امیال خویش برمی‌شمردند. از این رو بی‌دلیل نیست که بسیاری از آنان صاحب ثروت‌های فراوان شدند؛ نکته‌ای که با تشدید شکاف‌های طبقاتی، بر نارضایتی‌های عمومی بیش از پیش دامن می‌زد. (قاسم، ۱۹۹۴م: ۱۹۰)

مهاجرت: ضعف نهادی ممالیک موجب شد تا دولتشان نتواند از میزان بالقوه‌ی ظرفیت مالیاتی برای تأمین مالی خود استفاد کند. در صورتی که اگر نظام اداری در دریافت و هزینه کرد منابع مالیاتی می‌توانست انگیزه‌ی بیشتر در پرداخت کنندگان مالیاتی ایجاد کند، دولت نیز قادر خواهد بود عملکرد خوبی را در زمینه درآمدهای مالیاتی از خود نشان دهد. اما بروز هرگونه بی‌اعتمادی افراد به دولت باعث کاهش بهره‌وری نظام مالیاتی می‌شود و وصول درآمدهای مالیاتی را با مشکل مواجه می‌کند. (بنگرید به: ایزد خواستی، ۱۳۹۵: ۹۷) اعمال مالیات‌های سنگین بر بخش‌های مختلف اقتصادی بویژه بخش کشاورزی در عصر مملوکان، مؤدیان زیان‌دیده را به فرار مالیاتی یا مهاجرت به شهرها و روی آوردن به مشاغل و فعالیت‌های دیگر وادار ساخت. (بنگرید به، سالم، بی‌تا: ۳۹۴) براساس گزارش مقریزی روستاهای مصر بویژه در زمان سلطان برقوق به دلیل افزایش غرامت‌ها و تاوان‌ها و انواع ستم‌ها بویژه ظلم و ستم مالیاتی و شدت فشار شاهد موج مهاجرت‌های داخلی بود. (اغاثه الامه: ۱۱۸) نتیجه این مهاجرت‌ها به کاهش مالیات و به تبع آن دریافتی‌های اصل از آن گردید. دولت ممالیک بجای اصلاح امور به دریافت مالیات پیش از رسیدن محصول یا موعد جمع‌آوری آن و نیز دریافت کرایه زمین‌ها و املاک پیش از سررسید، متوسل شد و با این عمل ظلم و ستمی مضاعف در حق مردم روا داشت. (ابن ایاس، ۱۳۹۵هـ: ۳۳۳/۳) و به مهاجرت روستائیان به شهر شتاب بیشتری داد.

۴. نتیجه‌گیری

مالیات بعنوان بهترین مهمترین منبع درآمد دولت‌ها در طول تاریخ مصر بشمار می‌آمده است، در عین حال بعنوان عامل اقتصادی مهم در اقتدار و انحطاط دولت‌ها نقش دارد. در بررسی اهمیت و تاثیر «عامل مالیات» یا خراج بر فرایند تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دولت ممالیک مصر (۹۲۳هـ - ۶۴۸هـ) در مسیر اعتلاء و ضعف آن دولت، موارد ذیل قابل استنتاج است:

۱. مالیات در دوره اول حکومت ممالیک - ممالیک بحری (۷۸۴هـ - ۶۴۸هـ) در سیکل صحیح خود هزینه می‌شده و این امر به سبب نوپایی حکومت، عدم آلودگی سلاطین به تجمل‌گرایی و نیز نسبت کم بلاایای طبیعی و جنگ‌ها بوده است.

۲. مالیات در دوره دوم حکومت ممالیک - ممالیک برجی (۹۲۳هـ - ۷۸۴هـ) که موضوع این پژوهش است، تحت تاثیر حرص و سودجویی سلاطین این دوره بوده است، و باعث شده تا آنان علاوه بر مالیات رسمی و شرعی - خراج - به وضع مالیات دیگری بنام "مکؤس" دست یازند. مکؤس در طول حکومت مملوکان برجی بر اساس شرایط دچار قبض و بسط می‌شد. علت وضع چنین مالیاتی که مقریزی در الخطط از آن بعنوان مالیاتی یاد می‌کند که "توسط والیان بد و ستمگر" وضع شده است، با هدف تامین هزینه زندگی اشرافی سلاطین، جنگها، توسعه نهادهای دیوانی و سلطانی، و افزایش کارگزاران دولتی و خرید و فروش بردگان جدید، استیفاء می‌شد و عملاً منفعتی اجتماعی و اقتصادی بر آن مترتب نبوده است و این قول مقریزی تصویر واضحی از پیامدهای ناگوار این شیوه مالیاتی برای خواننده ارائه می‌دهد.

۳. اتخاذ روش‌های نادرست در هزینه کرد مالیاتی توسط سلاطین مملوکی برجی و تنوع در مالیات مکؤس منجر به باز تولید پدیده‌های اجتماعی منفی مانند: احتکار، رشوه-خواری، شکاف طبقاتی، مهاجرت و در نهایت فقر توده مردم گردید.

۴. سلاطین ممالیک برجی بدون توجه به این پیامدهای منفی که محصول طبیعی مدیریت ناکارآمد و سودجویی آنها بوده، هیچگونه اقدام اصلاحی در بخش اقتصادی انجام ندادند و در نهایت این عامل اقتصادی بعنوان عامل مهم در ضعف دولت و سقوط آن تاثیر شگرف بسان تاثیر بر سقوط نظامهای قبل از خود داشته است.

ابن خلدون در کتاب المقدمة که قواعد آن در واقع در حیطه "فلسفه تاریخ" است، به خوبی با بیان و معرفی نقش "الگوی اقتصادی" خاصه در بخش "مالیات" و تاثیر آن در قدرتمندی و ضعف و اضمحلال حکومتها پرداخته. اصل اقتضای تاریخی او نشان می‌دهد که این فرآیند تنها محصور به یک دوره تاریخی خاص نبوده و فرآیند استمراری دارد.

پی‌نوشت

۱. شاید این گفته المعز فاطمی گویای این واقعیت باشد که گفته: (بخدا قسم اگر جوهر صیقلی، فرمانده سپاه فاطمیان در فتح مصر، به تنهایی آهنگ فتح مصر می‌کرد بر این امر موفق می‌شده است.) (العبادی، بی تا: ۱۴۷)

بررسی نظام مالیاتی دولت ممالیک برجی مصر ... (بهادر قیوم و دیگران) ۲۶۳

۲. این اصطلاح متمایزکننده مالیات شرعی است که شرع آن را تجویز کرده، در برابر مالیات غیرشرعی که دولتها خود آن را وضع کرده‌اند. این نوع دوم، همان مالیات نامتعارف است.
۳. این زکات که دام‌هایی چون گوسفند و شتر را در برمی‌گرفت از دامداران و ساریبانان اهل برقه به هنگام ورود به آبشخور دریافت می‌شد. تعداد گله‌ایی که سالیان برای چرا به آنجا برده می‌شد به ده‌هزار رأس می‌رسید.
۴. رک ناصری: «رک» به معنی مساحی زمینهای زارعی بمنظور تعیین میزان خراج است. رک ناصری منسوب به سلطان ناصر محمد بن قلاوون است. (المقریزی، ۱/۱۶۵)
۵. دیوان نظر: بالاترین دیوان مالی دولت ممالیک است. در این دیوان فرمان‌های سلطانی صادر و امضاء می‌شده است. تمامی دیوانهای مالی دولت در واقع بخش یا شاخه‌ایی از این دیوان بشمار می‌آیند. (المقریزی، الخطط، ۱۴۱۸هـ: ۳/۳۹۰)

کتاب‌نامه

- ابن ایاس، محمد ابن احمد، *بدائع الزهور فی وقائع الدهور*، تحقیق محمد مصطفی، الطبعة الاولى، بی‌جا، دارالنشر اشتاینر، ۱۳۵۹هـ.
- ابن تغزی بردی، جمال الدین، *النجوم الزهرة فی ملوک مصر و القاهرة*، القاهرة دارالکتب، ۱۹۵۶م.
- ابن حجر العسقلانی، احمد بن علی، *انباء الغمر بابناء العمر*، تحقیق حسن حبشی، القاهرة، بی‌جا، ۱۳۶۹هـ.
- ابن خلدون، *مقدمة ابن خلدون*، شرح محمد الاسکندرانی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۶هـ.
- ابن سیده، علی ابن اسماعیل، *المختصر*، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی‌تا.
- ابن مماتی، الاسعد، *قوانین الدواوین*، تحقیق عزیز سوریال عطیه، القاهرة، مکتبه مدبولی، ۱۹۷۱م.
- احمد، عبدالرزاق احمد، *البذل و البرطلة زمن سلاطین الممالیک*، القاهرة، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۷۹م.
- اسماعیل، البیومی، *نظم المالیه فی مصر و الشام زمن سلاطین الممالیک*، بی‌جا، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۸م.
- _____، *مصادرة الاملاک فی الدولة الاسلامیة عصر سلاطین الممالیک*، بی‌جا، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۷م.
- حتی، فیلیپ، *تاریخ عرب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.

٢٦٤ پژوهش نامه تاريخ اجتماعى و اقتصادى، سال ١١، شماره ١، بهار و تابستان ١٤٠١

زيتون، عادل، العلاقات الاقتصادية بين الشرق و الغرب فى العصور الوسطى، دمشق، بى تا، ١٩٨٠م.
سالم، السيدعبدالعزیز، تاريخ المغرب الكبير، بيروت، دارالنهضة العربية، ١٩٨١م.
سالم، حلمى محمد، اقتصاد مصر الداخلى و انظمتها فى العهد الممالیکى، الاسكندرية، دارالرشاد للطباعة و النشر، بى تا.

السيوطى، جلال الدين، تاريخ الخلفاء، تحقيق محمد رياض الحلبي، بيروت، دارالمعرفة، ١٤٢٥هـ-
شبارو، عصام، دولت ممالیک، ترجمه شهلا بختيارى، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ١٣٩٩م
عاشور، سعيد عبدالفتاح، مصر و الشام فى عصر الايوبيين و الممالیک، البحرية، القاهرة، مكتبة النهضة المصرية، ١٩٥٩.

_____، مصر و الشام فى عصر الايوبيين و الممالیک بيروت، دارالنهضة العربية، بى تا.
_____، المجتمع المصرى فى عصر سلاطين الممالیک، بى جا، دارالنهضة العربية، ١٩٩٢.
العبادى، احمد مختار، فى التاريخ العباسى و الفاطمى، بيروت، دارالنهضة العربية، بى تا.
فيشل، ولتر، ج، يهود فى الحياة الاقتصادية و السياسية الاسلامية فى العصور الوسطى، نقله الى العربية سهيل زكار، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٨هـ

قاسم، عبده قاسم، عصر سلاطين الممالیک، بى جا، دارالشروق، ١٩٩٤هـ-
ماجد، عبدالمنعم، نظم سلاطين دوله الممالیک، القاهرة، نشر مكتبة انجلوالمصرية، ١٩٨٢م.
المقرزى، تقى الدين احمد، اغاثه الامه بكشف القمه، القاهرة، لجنة التأليف و الترجمة، ١٩٦٥م.
_____، المواعظ و الاعتبار فى ذكر الخطط و الآثار، القارة، منشوراة مطبعة بولاق، ١٢٧٠هـ/
حواشى خليل المنصور، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٨هـ

_____، المختار من اغاثه الامه فى كشف الغمه، المشرف سميرسرحان، جمعية الرعاية المتكاملة، بى تا.

_____، السلوك لمعرفة دول الملوك، تحقيق محمدعبدالقادر عطاء، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٨هـ

_____، النقود الاسلامية، النجف، منشورات المكتبة الحيدرية، ١٣٨٧هـ

المناولى، نهر النيل، القاهرة، المكتبة العربية، ١٩٦٦م.
النجيدى، حمودبن محمد، الموارد المالية لمصر فى الدولة المملوكية الأولى، بى جا، جامعة العلوم الاجتماعية السعودية، ١٩٨٤م.

بررسی نظام مالیاتی دولت ممالیک برجی مصر ... (بهادر قیوم و دیگران) ۲۶۵

واکر، پل. ای، پژوهشی در یکی از امپراتوریهای اسلامی، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، نشر
فروزان، ۱۳۸۳.

مجلات

ایزدخواستی، حجت، تحلیل تاثیر فساد و کیفیت حکمرانی بر عملکرد نظام مالیاتی، فصلنامه
سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی، دانشگاه الزهراء(س)، سال چهارم، شماره ۱۰، بهار ۱۳۹۵.
کریمیان، نورالله و دیگران، ضعف و سقوط حکومت ممالیک، زمینه‌ها و دلایل اقتصادی، فصلنامه
پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، سال ششم، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۹۵

